

قضاوت مقدس خدا ۲ - پیدایش ۶:۷ - ۱۲، ۱۷، ۲۴؛ ۱۸:۸ - ۲۲

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟

این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟

چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟

کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟

کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند

گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند

گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

قضاوت مقدس خدا ۲ - پیدایش ۶:۷ - ۱۲، ۱۷، ۲۴؛ ۱۸:۸ - ۲۲

پیدایش ۶:۷ - ۱۲

وقتی توفان آمد، نوح ششصد ساله بود. ۷ او با زنش و پسرهایش و عروسهایش به داخل کشتی رفتند تا از توفان رهایی یابند. ۸ همانطور که خدا به نوح دستور داده بود، از تمام چارپایان پاک و ناپاک و پرندگان و خزندگان یک جفت نر و ماده، ۹ با نوح به داخل کشتی رفتند. ۱۰ پس از هفت روز، آب روی زمین را گرفت. ۱۱ در ششصدمین سال زندگی نوح در روز هفدهم از ماه دوم، تمام چشمه های عظیم در زیر زمین شکافته شد و همه روزنه های آسمان باز شد. ۱۲ و مدت چهل شبانه روز باران میبارید

پیدایش ۱۷:۷ - ۲۴

مدت چهل روز باران مانند سیل بر روی زمین میبارید و آب زیادتر میشد به طوری که کشتی از زمین بلند شد. ۱۸ آب به قدری زیاد شد که کشتی بر روی آب به حرکت آمد. ۱۹ آب از روی زمین بالا میآمد و زورآورتر میشد تا اینکه آتمام کوه های بلند را پوشانید. ۲۰ و به اندازه هفت متر از کوهها بالاتر رفت و همه چیز را پوشانید. ۲۱ هر جنبه های که در روی

زمین حرکت میکرد یعنی تمام پرندگان، چارپایان و خزندگان و تمام مردم، همه مردند. ۲۲ هر جاننداری که در روی زمی ن بود مرد. ۲۳ خدا هر موجودی را که در روی زمی ن بود یعنی انسان، چارپایان و خزندگان و پرندگان آسمان ،همه را نابود کرد. فقط نوح با هرچه در کشتی با او بود باقی ماند. ۲۴ آب صد و پنجاه روز روی زمین را پوشانده بود

پیدایش ۸: ۱۸ - ۲۲

پس نوح و زنش و پسرهایش و عروسهایش از کشتی بیرون رفتند. ۱۹ تمام چارپایان، پرندگان و خزندگان هم با جفتهای خود از کشتی خارج شدند. ۲۰ نوح، قربانگهی برای خداوند بنا کرد و از هر پرنده و هر حیوان پاک یکی را به عنوان قربانی سوختنی بر قربانگاه گذرانید. ۲۱ وقتی بوی خوش قربانی به پیشگاه خداوند رسید، خداوند با خود گفت: بعد از این دیگر زمین را بهخاطر انسان لعنت نخواهم کرد. زیرا خیال دل انسان حتی از زمان کودکی بد است. دیگر همه حیوانات را هلاک نمیکنم، چنانکه کردم ۲۲. تا زمانیکه دنیا هست، کشت و زرع، سرما و گرما، زمستان و تابستان و روز و شب هم خواهد بود

بپرسید/پاسخ دهی د

در این قسمت چه می بینید؟

این برای شما چه معنی می دهد؟

چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟

چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد ؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت

چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟

کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

__ تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید